

درگذشتگان

۱۷۰-۱۵۵

— ناصرالدین انصاری

آیت الله شاهرودی

مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج سید محمد مرتضوی شاهرودی یکی از مراجع تقلید حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در جمادی الاولی ۱۳۴۴ق (آذر ۱۳۰۴ش)، در نجف اشرف در بیت علم و فقاہت زاده شد. پدر بزرگوارش مرجع تقلید شیعه آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی (م ۱۳۹۵ق) از شاگردان آخوند خراسانی و میرزای نائینی و مادرش صبیحه محترم آیت الله شیخ محمدرضا فاضل نیشابوری بوده است. آن مرحوم ادبیات و سطوح را نزد آیات: شیخ علی شهربابکی و شیخ هاشم آملی و شیخ عبدالحسین رشتی (کفایة الاصول) فراگرفت و پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول نزد آیات عظام: آقای شاهرودی و سید جمال گلپایگانی پرداخت و هم زمان به تدریس سطوح عالی و بازتقریر دروس پدر بزرگوارش و شرکت در مجلس استفتای معظم له اشتغال داشت تا آنکه در سال ۱۳۷۵ق از استادانش آقایان: شاهرودی و سید جمال گلپایگانی به دریافت اجازه اجتهاد نائل آمد. در سال ۱۳۸۵ق تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و ده ها نفر از فضلاء نجف در درسش حاضر می شدند. در سال ۱۳۸۹ق پدر بزرگوارش احتیاطات خویش را با وجود ده ها نفر از علما و مراجع تقلید در حوزه های قم و نجف به وی ارجاع کرد و نامش در زمره فضلاء نامی نجف طنین افکن شد. او در این سال ها به جای پدر خویش در مسجد هندی اقامه جماعت می کرد. همچنین به تدریس اشتغال داشت و درسش اوج گرفته بود و تقریرات درسش (کتاب الطهاره) به چاپ رسید. با اخراج ایرانیان از عراق، در سال ۱۴۰۰ق (۱۳۵۹ش) همراه تمام خانواده آیت الله شاهرودی از نجف اخراج شد و در قم اقامت گزید و به تدریس و تألیف و اقامه جماعت در مسجد امام رضا (علیه السلام) (شب ها) و حسینیه نجفی ها (ظهرها)

پرداخت و رساله عملیه اش به چاپ رسید. دفتر و بیت ایشان در کارگشایی از طلاب قدم هایی برداشت که تأسیس مجتمع مسکونی طلاب در قم و نجف از آن جمله است. وی عالمی با اخلاق و مؤدب و متواضع و بردبار و خوش برخورد بود و با کوچک و بزرگ با احترام برخورد می کرد.

تألیفات چاپی اش عبارتند از:

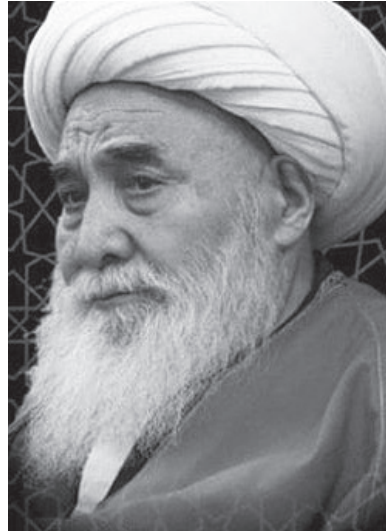
۱. ذخیره المؤمنین
 ۲. توضیح المسائل
 ۳. توضیح مناسک حج (عربی و فارسی)
 ۴. دروس فی احکام النساء
 ۵. استفتائات (عربی و فارسی)
 ۶. کتاب الصوم
 ۷. کتاب الطهاره (تقریر دروس وی توسط برادرش آیت الله آقای سید حسین شاهرودی)
 ۸. مختصر الاحکام (اردو)
- تألیفات غیر چاپی اش عبارتند از:
۱. حاشیه بر عروة الوثقی
 ۲. کتاب الحدود
 ۳. تقریرات درس آیت الله العظمی شاهرودی
 ۴. رساله استفتائات (عربی)

آن مرحوم در ۹۴ سالگی در روز یکشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۸ش (۴ ذی قعدة الحرام ۱۴۴۰ق) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و نماز برادرش آیت الله سید حسین شاهرودی در روز سه شنبه ۱۸ تیر در مسجد بالاسرحم حضرت معصومه (س) به خاک خفت. در غم فقدانش پیام های تسلیت فراوان از سوی مراجع تقلید شیعه صادر شد و از مقام علمی و عملی وی تجلیل شایان به عمل آمد.

سوخته شهر کابل اقدام کرد و صدها نفر از طلاب گرد او جمع شدند و به تحصیل علوم اسلامی پرداختند. خود نیز علاوه بر تدریس و مدیریت مدرسه به پاسخگویی به امور دینی مردم و رسیدگی به مسائل اجتماعی آنان پرداخت و در زمره علمای نامی کابل درآمد. به دنبال وقوع کودتای مارکسیستی دی ماه ۱۳۵۷ و دستگیری و شهادت علمای شیعه از کابل خارج شد و به کویته پاکستان رفت و سازمان دفاع از حریم اسلام را تشکیل داد و پس از مدتی به قم مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۸ ش همراه جمعی از علمای افغانستان، اتحادیه علما را سامان داد و در دهه ۱۳۶۰ با حزب پاسداران جهاد اسلامی افغانستان همکاری کرد و به جهاد سیاسی با رژیم کمونیستی کابل پرداخت. در سال ۱۳۶۸ با تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان بدان پیوست و در سال ۱۳۷۱ ش به عنوان دبیر شورای عالی نظارت بر آن حزب برگزیده شد و در زمستان ۱۳۷۲ ش بنا بر اصرار و درخواست علما و مؤمنان افغانستان، رساله عملیه اش به چاپ رسید و گروه بسیاری از شیعیان افغانستان در سراسر جهان به تقلید از وی روی آوردند و نامش در عداد مراجع تقلید جهان تشیع طنین افکن شد. با این همه، جهانی از تواضع و فروتنی و ساده زیستی و اخلاق خوش بود. دفاترش در ایران و افغانستان و پاکستان بسیار خدمتگزار و کارگزار بودند. وی پس از مرجعیت بر دامنه کارها و مسئولیت هایش افزود و تألیف و تدریس و سفرهای تبلیغی اش به افغانستان افزایش یافت و مدارس و مساجد چندی را همچون: توسعه مدرسه جامعه الاسلام (کابل)، مسجد امام خمینی (کابل)، مسجد جامع شهرک المهدی (هرات)، مدرسه علمیه خاتم الانبیاء (هرات)، مدرسه جامعه الاسلام (هرات) و مدرسه علمیه (بغلان) به یادگار نهاد.

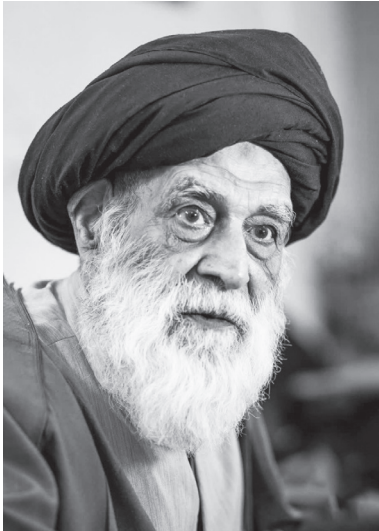
تألیفات چاپی اش عبارتند از:

۱. توضیح المسائل
۲. حاشیه العروة الوثقی
۳. مناسک حج
۴. استفتائات (۲ ج)
۵. المباحث الفقہیہ (۲ ج)
۶. احکام جوانان
۷. نصاب اخلاقی
۸. وظیفه القضاء
۹. منهاج الصلحاء
۱۰. کتاب الخمس



آیت الله محقق کابلی

حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای حاج شیخ قربانعلی محقق ترکمانی کابلی یکی از مراجع تقلید حوزه علمیه قم بود. معظم له در روز سه شنبه ۹ ذی حجت الحرام ۱۳۴۶ ق (۸ خرداد ۱۳۰۷ ش / ۲۹ می ۱۹۲۸ م) در روستای «دهنه کاریزک» واقع در دره ترکمن از توابع استان پروان و در نزدیکی کابل زاده شد. دروس ابتدایی را در همان روستا نزد برادرش نوراحمد آغاز کرد و پس از چندی رهسپار کابل شد و ادبیات و سطوح (شرح لمعه، معالم و قوانین) را نزد آیت الله شهید سید محمد سرور واعظ آموخت. سپس در سال ۱۳۳۲ به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: سید عبدالاعلی سبزواری، شیخ کاظم تبریزی، شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ محمد تقی آل راضی، شیخ مجتبی لنکرانی و شیخ صدرا بادکوبه ای و شرح منظومه را هم از آیات الله شیخ عباس فوجانی فراگرفت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام: آقای حکیم، آقای خوبی، میرزا باقر زنجانی، سید حسین حمای و شیخ حسین حلی حاضر شد و در کمال نظم و مراقبت و استقامت در تحصیل به نگارش تقریرات دروس آنان پرداخت. در سال ۱۳۸۸ ق (۱۳۴۸ ش) نخستین مجلد از تقریرات درس فقه آیت الله العظمی خوبی را به نام تحریر العروة الوثقی به چاپ رساند و نامش در زمره فضایی نامی نجف طنین افکند. وی در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالی هم پرداخت و گروهی بسیار از دروس ایشان بهره مند شدند. او در سال ۱۳۵۱ ش به زادگاهش بازگشت و با همیاری مؤمنین به تأسیس مدرسه علمیه جامعه الاسلام در محل



پرورش یافتگان حوزه خراسان بود که پس از تحصیلات مقدمات و سطوح در خراسان به قم رفت و در درس مرحوم آیت الله بروجردی شرکت کرد. آن سالها ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم منوط به قبولی در امتحان بود. امتحان آقای نقوی جوان را مرحوم شیخ مرتضی حائری فرزند بنیانگذار حوزه برعهده گرفت و وقتی تسلط او را در متون دریافت، از وی پرسید: «شاگرد چه کسی بوده است؟» و او نام ادیب نیشابوری را گفت، اما اندکی بعد آقای نقوی رحل اقامت در نجف اشرف افکند و در درس مراجع بزرگ نجف مانند حضرات آیات: شاهرودی، حکیم و خوبی حاضر شد. دستاورد دیگر او در نجف، توفیق آغاز به کار شرح نهج البلاغه بود که ابتدا به فارسی نگارش آن را آغاز کرد و تا چند خطبه ادامه حاصل این کار اثری است به نام مفتاح السعادة فی شرح نهج البلاغه در ۱۸ جلد. وقتی مرحوم آیت الله گلپایگانی این شرح را دید آن را پسندید که به مؤلف پیشنهاد کرد که به همین روش تفسیری هم برقرآن بنویسد که حاصل آن کتاب ضیاء الفرقان فی تفسیر القرآن در ۱۸ جلد است. اهل فن براین عقیده اند که در هر دو اثر، مؤلف سخن پیشینیان و شروح و تفاسیر سابق را دیده، لکن خود سیاق نوینی در مباحث مختلف مطرح کرده و از روی این آثار می توان به حوزه وسیع تحقیقات و تتبعات وی پی برد. به هر حال وقتی آقای

۱۱. تحریر العروة الوثقی (ج ۱) - تقریر درس آیت الله خوبی

تالیفات غیر چاپی اش عبارتند از:

۱. تقریرات درس فقه آیت الله خوبی (۱۰ ج)

۲. تقریرات درس اصول آیت الله خوبی (۱۰ ج)

۳. تقریرات دروس فقه و اصول اساتید نجف

سرانجام روح آن مرجع بزرگوار در ۹۱ سالگی در بامداد روز سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ ش (۷ شوال المکرم ۱۴۴۰ ق) به ملکوت اعلی پیوست و به دنبال آن موجی از غم و اندوه سراسر جامعه شیعیان افغانستان را فراگرفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه، در روز پنجشنبه و نماز حضرت آیت الله حاج شیخ محمدباقر فاضلی بهسودی در مسجد شهید مطهری حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد و در سوگش پیام های فراوان از سوی مراجع عظام صادر شد.

آیت الله نقوی

حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد تقی نقوی قاینی یکی از علمای مشهور تهران بود. فقیه سعید در سال ۱۳۴۸ ق (۱۳۰۸ ش) در قاین زاده شد و پس از تحصیلات نخستین در ۱۶ سالگی (۱۳۴۸ ق) به مشهد مقدس رفت و در مدرسه ابدال خان اقامت گزید و ادبیات را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و شرح لمعه را از آیت الله حاج سید احمد مدرس یزدی و رسائل را از آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی و مکاسب را از آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و کفایه را هم از آیت الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری آموخت. سپس به قم آمد و یک سال از محضر آیت الله العظمی بروجردی و علامه طباطبایی بهره برد و در سال ۱۳۷۲ ق رهسپار نجف اشرف شد و از دروس آیات عظام: آقای حکیم، آقای شاهرودی، آقای خوبی و میرزا باقر زنجانی بهره های فراوان برد. سپس در سال ۱۳۸۹ ق به تهران آمد و به خدمات فراوان علمی و دینی: تدریس، تألیف و منبر اشتغال ورزید و حدود نیم قرن مردم و فضیای تهران را از سرچشمه علوم خویش سیراب کرد. آن مرحوم سالها به تدریس قرآن و نهج البلاغه اشتغال داشت و از این رهگذر، دو تفسیر بر قرآن و نهج البلاغه نگاشت که هر دو به چاپ رسیده است. صدیق گرامی استاد احمد مسجد جامعی می نویسد:

مرحوم آیت الله سید محمد تقی نقوی از

در خراسان روزبه‌روز رو به افزایش نهاد. در قرن اخیر هم طلاب علم در خراسان، حتی آنها که خراسانی نبودند به تحصیلات عالی در ادبیات عربی و فارسی و ذوق شعری و خطابه شهرت داشتند.

ایشان با وسایل نقلیه عمومی به ویژه اتوبوس آمدوشد داشت. در پوشش و رفتار بسیار ساده و بی‌پیرایه و در گرمی گفتار و منطق بیان کم‌نظیر بود. من که خود سال‌ها توفیق درک منبرهای او را داشتم احساس می‌کردم مستمعین پس از منبر او حالی یافته و نکته‌های جدیدی فرا گرفته‌اند. به ویژه که حسنات اخلاقی این خطیب عالم، بر نفوذ کلام او می‌افزود. به هر حال او نمونه‌ای از وعاظ و اهل منبر سلف بود که جز به نشر و بسط علم آل محمد نمی‌اندیشید و آن را وظیفه خود می‌دانست. شاید آخرین منبر عاشورای ایشان بود که در آن آیه معروف یا ایتهای النفس المطمئنه را در شأن سیدالشهدا خواند و وقتی به این بخش آیه رسید که «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» آقای نقوی گفت در این آیه تقدم عبودیت بر جنت واضح است و جنت در برابر عبودیت چیزی نیست. از این قبیل نکته‌ها در سخنرانی‌های او بسیار بود اینکه حتی درگذشت او، مورد توجه رسانه‌ای قرار نگرفت شاید ادامه همان زی‌گمنامی بود که او برای خود برگزیده بود. امید است که بازماندگان ارجمند آن خطیب دانشمند و توانا با انتشار آثار صوتی و کتبی آن مرحوم در شناسایی مکتب اهل بیت و اهداف او قدم‌هایی بردارند.

من و دل گر فنا شدیم چه باک
غرض اندر میان سلامت اوست

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. ضیاء الفرقان فی تفسیر القرآن (۱۵ج)
۲. مفتاح السعادة فی شرح نهج البلاغه (۱۸ج)
۳. شرح زیارت جامعه کبیره
۴. شرح دعای کمیل

تقوی به تهران آمد، این بار فرزند دیگر آیت الله مؤسس، یعنی مرحوم دکتر مهدی حائری از وی خواست تا در مدرسه سپهسالار قدیم تدریس متون فلسفی و اسفار را بر عهده گیرد. هرچند وی در جلساتی اختصاصی شرح اشارات را هم آغاز کرد و به پایان رساند که خوشبختانه صوت آن موجود است، اما آنچه گفته شد فقط بخشی از شخصیت والای آن فقیه حکیم است. معمولاً عالمانی در طبقه ایشان صرفاً در جایگاه تدریس و مرجعیت قرار می‌گیرند، اما آقای نقوی از هنگام جوانی تا پایان عمر ترجیح داده بود که ذاکر و خادم مجالس و عظم و خطابه اهل بیت و حسین سیدالشهدا بماند. ایشان قریب ۵۰ سال در روضه منزل پدری ما منبر رفت و به آداب و لوازم آن پای بند بود. از جمله نظم و ترتیب و بی‌توجهی به تعداد مستمعین و کوشش برای تعلیم حضار، آثار تواضع و فروتنی عالمانه در او بسیار دیده می‌شد. حتی روی جلد کتاب‌های خود هیچ‌گاه القابی به کار نبرده که نشان دهد مؤلف عالم است و چه اعتبار و جایگاهی نزد بزرگان دارد.

در بین محققان معاصر کمتر کسی مانند شیخ عزیزالله عطاردی قوجانی در باب تاریخ و فرهنگ و رجال خراسان تحقیق و تفحص کرده است. این تحقیقات او بسیار وسیع بود و برای شناخت بهتر خراسان کتابخانه‌های جهانی و فهرست نسخ خطی را سطر به سطر کاویده بود تا سهم خراسان را در فرهنگ ایران و جهان بنمایاند.

این کوشش‌ها برای آن بود که خراسان و حوزه‌های علمی آن بی‌اغراق در طی هزار و ۴۰۰ سال، یعنی از آغاز اسلام تاکنون، در ساخت فرهنگ ایرانی، اسلامی، شیعی نقشی اساسی داشته‌اند. به ویژه از زمانی که حضرت امام رضا، عالم آل محمد (ص) در خراسان به مرکزیت مرور رحل اقامت افکند و پیکر شریفش را خاک خراسان در برگرفت، تمایلات شیعی

۵. شرح دعای عرفه
۶. شرح خطبه غدیریّه
۷. شرح خطبه فدکیه
۸. شرح صحیفه سجادیّه (که به چاپ نرسیده است).
- آن مرحوم در ۹۰ سالگی در بامداد روز شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۸ ش (۴ سوال المکرم ۱۴۴۰ق) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت الله حاج شیخ محمدتقی شریعتمداری بر آن در روز دوشنبه ۲۰ خرداد به قم انتقال یافت و در حجره ۱۴ صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (صحن امام رضا (ع)) به خاک سپرده شد.
۱. الاذواء و الاذوات
۲. الاولیات فی الاحداث و لخبار
۳. تراجم النساء
۴. الادب العربی فی الاحساء
۵. دیوان اشعار
۶. من حیاة و سیرة المعصومین
۷. المجالس الحسینیة
۸. مستدرکات کتاب «الکنی و الالقاب»
۹. محاکمات تاریخیه
۱۰. الداماد محمدباقر، سیرته و شخصیته
۱۱. منهج دیکارت
۱۲. مع المورخین

حجت الاسلام هلالی

آن مرحوم در ۹۲ سالگی در روز سه شنبه ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۴۰ق (۷ خرداد ۱۳۹۸ ش) چشم از جهان فرو بست و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت الله حاج شیخ حسن جواهری بر آن در روز چهارشنبه در وادی الاسلام نجف به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام نوربخش

حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید عبدالله نوربخش اصفهانی یکی از فضلاء مشهور حوزه علمیه اصفهان بود. فقید سعید در روز سه شنبه ۲۰ ذی الحجه ۱۳۶۱ق (۸ دی ماه ۱۳۲۱ ش) زاده شد و پس از نوجوانی نزد حضرات آیات: شیخ حسن صافی اصفهانی، شیخ احمد فیاض، حاج شیخ علی مشکاة و حاج آقا حسین خادمی تحصیل کرد و به کمال علم و فقاہت نائل شد و عمر خویش را به تحصیل و تدریس و عبادت و تهذیب نفس گذراند. صدیق معظم جناب آقای حاج شیخ مرتضی مداح علی می نویسد:

آیت الله آقای حاج سید عبدالله نوربخش از اعظام مدرسین و فضلاء حوزه اصفهان و متبحر در علوم و فنون مختلف در زمان خود بود که اگر در سلک علما و اساتید باقی مانده بود، کسی را یارای مقابله علمی با او نبود. در سال های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۲ که این جانب در مدرسه صدر ساکن بودم، از مدرس آیت الله

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ جعفر هلالی یکی از خطبای نامی جهان عرب بود. فقید سعید در سال ۱۳۴۶ق در بصره در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالحمید هلالی احسائی (م ۱۴۰۶ق) از خطبای معروف عراق بود. وی ادبیات را در بصره آموخت و سپس همراه پدرش رهسپار نجف شد و دروس سطوح را نزد حضرات آیات: شیخ حسین فرطوسی، سید احمد احسائی، سید محمد جواد فضل الله، سید حسین بحر العلوم، شیخ علی زین الدین، سید محمدتقی حکیم و شیخ علی تاروتی فراگرفت و پس از آن به «کلیة الفقه» رفت و سطوح عالیّه را نزد حضرات آیات: شیخ محمدتقی ایروانی، شیخ محمد رضا مظفر و سید محمدتقی حکیم فراگرفت و از آنجا با دریافت لیسانس ادبیات عرب در سال ۱۳۸۴ فارغ التحصیل شد. سپس رشته خطابه را برگزید و در عراق و کشورهای عربی منبر رفت و نامش به عنوان یکی از مشهورترین خطبای عرب طنین افکن شد. او سالیانی چند در قم و سپس دمشق سکونت داشت و با سقوط صدام به نجف بازگشت و به خدمات خویش پرداخت. وی خطیبی توانمند و ادیبی گران مایه و شاعری معروف بود و آثار متعدد از خود بر جای نهاد و مقالاتش و اشعارش در مجلات عربی منتشر شد.

آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. معجم شعراء الحسین علیه السلام (ج ۵)
۲. الملحمة العلوئیة

تارکان دنیا رفت و آمد داشت و بالکل از مسجد و مدرسه بیزار گردید و ترک درس و بحث نمود و گوشه عزلت اختیار نمود و از دسترنج خود و عیالش ارتزاق می نمود. او که اغلب اوقاتش مصروف مباحثات علمی می شد ناگهان کارش به جایی رسید که در اثر کثرت تواضع و جهاد با نفس، علاوه بر تفکر و صمت و صوم، گاهی بهلول وار رفتار می نمود و بعضی نابخردان او را مریض می پنداشتند، اما او دیگر از دنیا گریزان شده بود و از خلق دوری می نمود، به حدی که کمتر کسی از حوزویان از او خبردار بودند. او در غربت زیست و در غربت هم از دنیا رفت و غریبانه به خاک سپرده شد.

آن مرحوم در ۷۶ سالگی در روز پنجشنبه اول شهریور ۱۳۹۷ ش (۱۱ ذی الحجه ۱۴۳۹ ق) بدرود حیات گفت و در امامزاده سید محمد در دامنه کوه در نزدیکی خمینی شهر اصفهان به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام فضل الله

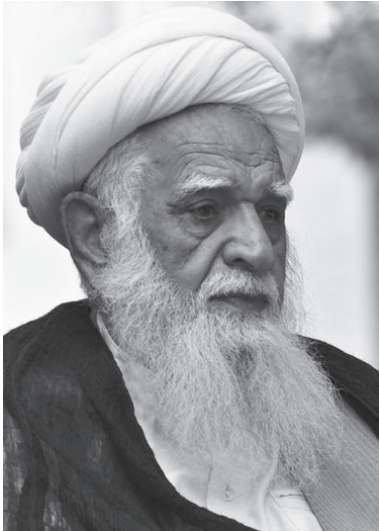
مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد علی فضل الله یکی از خطباء و فضیای نامی بیروت بود. فقیه سعید در سال ۱۳۶۱ ق (۱۹۴۱ م) در نجف اشرف (به گاه اقامت پدرش در آن شهر) در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت الله سید عبدالرؤف فضل الله^۱ (۱۳۲۵-۱۴۰۵) از شاگردان آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی و سید محمود شاهرودی و جدش سیدنجیب آل فضل الله بوده است. آن مرحوم ادبیات را نزد برادرش مرحوم آیت الله سید محمد حسین فضل الله آموخت و در نوجوانی همراه پدرش به لبنان رفت و تمام سطوح میانی و سطوح عالی و مستمسک العروه مرحوم آیت الله حکیم را نزد پدر بزرگوارش آموخت و هم زمان به تبلیغ دین پرداخت و سیر تحصیلی او ۲۲ سال (۱۹۶۲-۱۹۸۴) به طول انجامید و پس از آن یکسره به ارشاد و وعظ و خطابه در شهرهای مختلف لبنان پرداخت. وی در منطقه حی السالم در ناحیه جنوبی بیروت مستقر شد و به اقامه جماعت و تکمیل مجتمع دینی و

حاج شیخ حسن صافی صدای درس و بحث به گوش می رسید و آقایی با صدای رسا به ایشان اشکال می کرد و بعد هم در نهایت خضوع و تواضع در خدمت ایشان از مدرسه بیرون می رفت. این صدای مباحثه علمی آقای نوربخش با آن علامه دوران بود. آیت الله نوربخش در مدارس علمیه ملا عبدالله، جده بزرگ و صدر بازار تدریس می فرمود و اغلب طلاب در ادبیات و فقه و اصول و کلام و عرفان خوشه چین خرمن فضل او بودند. گاه در حجره و گاه در مدرسه و گاهی در گوشه و کنار مدرسه طلاب را افاضه می کرد و به سؤالات آنان پاسخ می داد. ساعات درسی اش مرتب و منظم بود و به خوبی از عهده تدریس غوامض و مطالب کتاب برمی آمد. حتی یاد دارم در تدریس قوانین و کفایه و فرائد و خارج اصول به بیان مطالب می پرداخت، اما به مجرد اینکه نفرات حاضر درسش فزونی می یافت و سروصدای درس و بحث او فراگیر می شد، عذر می آورد و درس را ترک می نمود. حقیر طی آن سال ها کتاب هایی همچون: شرح لمعه، قوانین و اصول الفقه مظفر را نزد آن استاد بزرگوار تلمذ داشتم و شنیدم که این او خرد در مدرسه «درب کوشک» تدریس خارج فقه داشتند. فلله دزه و علیه اجره!

ایشان ارادت تام و تمامی به شیخنا الاستاذ آیت الله صافی اصفهانی داشت و مقام علمی او را بر دیگران ترجیح می داد و پس از حدود یک سالی که به قم مهاجرت کرده بود و در دروس آیات عظام: گلپایگانی، اراکی و مرعشی شرکت کرده بود، برای درک محضر علمی و عملی استاد دومرتبه به اصفهان مراجعت فرمود.

در هنگام تدریس بسیار مؤدب جلوس می فرمود، مطالب را به خوبی توضیح می داد و رسا بیان می داشت و به شاگردانش احترام می گذاشت. در مراعات آداب شرعیه مواظبت تام داشت. مدتی با بعضی از عارفان زمان و

۱. المنتخب من اعلام الفكر والادب، ص ۲۴۶؛ شعراء الغری، ج ۵، ص ۳۵۸.



خدماتی الجمعیه الخیریه که برادرش مرحوم آیت الله سید محمد جواد فضل الله آن را شروع کرده و مشتمل بر حسینیه و مسجد و مدرسه علمیه و خانه عالم بود پرداخت و زمینی را هم در کنار آن خریداری کرد و مدرسه و بیمارستان هم در آن ساخت. وی با جوانان بسیار خودمانی بود و با آنان می جوشید و برای آنان وقت می گذاشت و تا آخر عمر پدرش در خدمتگزاری به وی دقیقه ای فروگذار نکرد. وی عمرش را به امامت جماعت در حی السلم و بشر العبد و خطابه و موعظه گذراند تا آنکه در حدود ۸۰ سالگی در روز یکشنبه ۲۶ شوال المکرم ۱۴۴۰ق (۹ تیرماه ۱۳۹۸ ش / ۳۰ ژوئن ۲۰۱۹ م) چشم از جهان فرو بست و پیکرش در روز سه شنبه در قبرستان منطقه حی السلم به خاک سپرده شد.^۲

آیت الله محسنی

حضرت مستطاب آیت الله حاج شیخ محمد آصف محسنی قندهاری یکی از مفاخر علمای افغانستان و از رهبران جهادی و چهره های درخشان و امید شیعیان افغانستان بود.

وی در شب جمعه ۵ اردیبهشت ۱۳۱۴ ش (۲۲ محرم الحرام ۱۳۵۴ق) در قندهار زاده شد و در نوجوانی تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. نخست ادبیات عرب را در قندهار آموخت و پس از آن به جاغوری رفت و سطوح را در مدرسه اوتقول نزد حضرات آقایان: شیخ قربانعلی وحیدی و شیخ عبدالکریم عظیمی فراگرفت و در سال ۱۳۳۲ ش (۱۳۷۲ق) رهسپار نجف اشرف شد و سطوح عالی را از حضرات آیات: شیخ محمد اسحاق فیاض، شیخ حسینعلی فقیهی جاغوری، شیخ مجتبی لنگرانی و شیخ محمدعلی مدرس افغانی آموخت و پس از آن در درس خارج آیات عظام: آقای حکیم، آقای خوبی، میرزا باقر زنجانی و سید عبدالاعلی سبزواری حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار کرد و هم زمان به تألیف و تدریس و نگارش تقریرات درس اساتیدش اشتغال داشت. او در این زمان تعطیلی رانمی شناخت و با کمال جدیت و کوشش درس می خواند و می نوشت. از این رو دوره سطوح را در سه سال به اتمام رساند و روزها و ماه های تعطیلی حوزه را هم به درس و بحث اشتغال داشت. وی پس از ۱۴ سال اقامت در نجف در سال ۱۳۴۶ ش به زادگاهش بازگشت و با استقبال و حمایت مردم مواجه شد و با مساعدت مالی آنان،

مدرسه علمیه و حسینیه ای را کنار خانه اش بنا نهاد و به تدریس علوم دینی و تبلیغ دین مبین پرداخت. طلاب از هر سو گرد شمع وجودش جمع شدند و چراغ علم و دانش را برافروختند. وی در این زمان به تألیف، تدریس، تبلیغ، اقامه جماعت، مصالحه بین مردم، پاسخ به استفتائات و رفع حوائج نیازمندان پرداخت و این تا سال ۱۳۵۸ به طول انجامید. با هجوم ارتش شوروی به افغانستان و کودتای مارکسیستی تره کی، به دمشق رفت و سپس به قم آمد و برای جهاد با ارتش سرخ، حزب «حرکت اسلامی افغانستان» را تأسیس و به سازمان دهی مجاهدین و مصاحبه ها و مسافرت ها (به کشورهای مختلف) و تحصیل پول و اسلحه و اداره تشکیلات وسیع این حزب در ایران و افغانستان و پاکستان پرداخت و در کنار آن، از تدریس خارج فقه و رجال و تفسیر و تألیف و تربیت شاگردان غافل نشد. وی نمونه یک عالم متعهد و مسئول و در دانشنا بود که از تمام وقت خویش بهره برد. پس از پیروزی مجاهدین و سقوط کابل در سال ۱۳۷۱ ش وارد کابل شد و با روابط مسالمت آمیز با گروه های هفت گانه اهل سنت و تلاش های پرحجم خویش توانست سخنگوی شوروی مجاهدین شود و مراسم نماز جمعه را به امامت خویش در غرب کابل تأسیس کند، اما پس از اوج گرفتن اختلافات مجاهدین و جنگ های خونین کابل و تلاش های ناموفق وی برای صلح و پس از یأس و وخامت اوضاع به قم مهاجرت کرد و به تدریس و تألیف و فعالیت های سیاسی خویش ادامه داد. با سقوط رژیم طالبان در سال ۱۳۸۰ ش به کابل بازگشت و خیلی زود در ردیف چهره های مؤثر و آینده ساز و شخصیت های جهانی افغانستان قرار گرفت و از این رهگذر توانست خدمات شایان و فراوانی به شیعیان افغانستان ارائه دهد. مانند: رسمیت بخشی به

۲. علماء ثغور الاسلام، ج ۲، ص ۳۶۱-۳۶۲.

بر معارف شیعه و اهل سنت دارد از راه‌های گوناگون قلم، زبان و عمل در راه همگرایی شیعه و سنی کوشیده و در این باره دارای نظرات ارزنده و مترقی متکی بر مبانی اسلامی است که نه تنها برای افغانستان، بلکه جهان اسلام مهم، راهگشا و قابل ارجح است. هرچند در داخل و خارج کشور و حتی در داخل جامعه خود بدخواهان و منتقدان سرسختی نیز دارد.

او در گرماگرم نبرد و جهاد علیه استعمار از زمان بهره می‌برد و در زیر آتش گلوله و موشک به تألیفات خویش مشغول بود و حتی در مسافرت‌ها و در داخل وسایل نقلیه هم به نوشتن اشتغال داشت.

برخی از آثار چاپی اش عبارتند از:

۱. صراط الحق (۳ ج)
۲. حدود الشریعة فی محرماتها و واجباتها (۴ ج)
۳. معجم الاحادیث المعتره (۶ ج)
۴. الفقه و المسائل الطبیه (۲ ج)
۵. الأرض فی الفقه
۶. قواعد الفقهیه و الاصولیه
۷. بحوث فی علم الرجال
۸. عقاید اسلامی
۹. اقتصاد معتدل
۱۰. اقتصاد اسلامی
۱۱. جهاد اسلامی (۲ ج)
۱۲. توضیح المسائل جنگی
۱۳. عقاید، اخلاق و فقه
۱۴. مجموعه مقالات
۱۵. قرآن، سند اسلام
۱۶. روابط انسان
۱۷. توحید اسلامی و دشمنان آن
۱۸. شیعه و سنی چه فرقی دارند؟
۱۹. فواید دین در زندگی
۲۰. اخلاق اسلامی
۲۱. زن در شریعت اسلامی
۲۲. نظریات علمی، اجتماعی و اخلاقی
۲۳. عقاید برای همه
۲۴. عدالت صحابه
۲۵. جوانان و دوره جوانی
۲۶. روح از نظر دین، عقل و علم

مذهب شیعه در قانون اساسی، تصویب قانون احوال شخصیه بر مبنای مذهب شیعه در محاکم رسمی، نظام آموزشی شیعه در آموزش و پرورش، عضویت پنج وزیر شیعه در کابینه و تأسیس بنای عظیم و تاریخی حوزه علمیه و دانشگاه خاتم الانبیاء (در ۳۸ هزار متر و شامل: مدرسه، دانشگاه، مسجد، کتابخانه، واحد انتشارات، تلویزیون تمدن، نشریه پیام اخوت)، شورای علمای شیعه افغانستان و شورای اخوت اسلامی.

وی شیخ‌العلمای افغانستان بود و از این رو در بسیاری از تحولات مهم ملی و سیاسی و فرهنگی افغانستان نقش مهم و حساسی را بر عهده داشت، چنان‌که در مراسم لویه جرگه‌های اضطراری و قانون‌گذاری، تأسیس دولت‌های انتقالی، موقت و منتخب، مراسم تحلیف ریاست جمهوری و کابینه و انتخابات ریاست جمهور و پارلمان افغانستان به عنوان شخصیت اول روحانی کشور و مقدم بر تمام رجال سیاسی و دینی افغانستان ظاهر می‌شد. او در این زمان نقشی ارزنده و وحدت‌بخش و همگرا و عدالت‌محور ایفا کرد و در کنار سایر شخصیت‌ها و احزاب جهادی و سیاسی شیعیان نقش مهمی داشت. مدرسه علمیه و دانشگاه خاتم الانبیاء وی یکی از عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین بناهای دینی مسلمانان در سراسر جهان است که خیل زیادی از جوانان افغانستان اعم از پسر و دختر را با علوم دینی و علوم روز جهان آشنا می‌کند و تلویزیون تمدن او هم رسانه‌ای پیشرفته است که برنامه‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی را منتشر و مردم افغان را با آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع) بدون برانگیختن حساسیت‌های قومی و مذهبی آشنا می‌کند. وی به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و پشتو مسلط بود و شعر می‌سرود و کتاب می‌نوشت و سخنرانی می‌کرد. فقدان ضایعه‌ای بس اسفناک برای مردم افغان بود. تسلط وی بر تمام علوم اسلامی، به‌ویژه رجال و حدیث شیعه و سنی، باعث شد تا علما و دانشمندان و سران گروه‌های جهادی اهل سنت افغانستان، مانند صبغت‌الله مجددی و برهان‌الدین ربانی در مقابل وی سر تعظیم فرود آوردند و به برتری علمی وی اذعان کنند و از این رو نشان علمی درجه اول کشور به وی اهدا شد.

به نوشته صدیق گرامی جناب عبدالمجید ناصری داوودی:

نمی‌توان از آیت‌الله محسنی گفت و تلاش‌های وحدت‌بخش او را در افغانستان و جهان اسلام نادیده گرفت. او که خود یک مجتهد روشن‌اندیش و صاحب‌نظر اسلامی است با تسلطی که

۲۷. وظایف اعضای بدن
 ۲۸. فوائد دمشقی (تفسیر موضوعی قرآن)
 ۲۹. حَلِّ ۶۶ سؤال دینی
 ۳۰. گوناگون (۲ ج). مسائل اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی
 ۳۱. همبستگی اسلامی
 ۳۲. تفسیر سوره شمس
 ۳۳. سیری در صحاح
 ۳۴. مشرعة بحار الانوار - بررسی سندی و مضمونی برخی از احادیث بحار.
 ۳۵. خود را بسازیم
 ۳۶. آینده حوزه‌های اسلام (طرح جامع و راهکار برای پیشرفت حوزه‌های علمیه)
 ۳۷. گفتگوی دو رفیق
 ۳۸. وظیفه علمای دینی ما
 ۳۹. مهدی موعود
 ۴۰. القضاء و الشهاده
 ۴۱. کتاب الصوم
 ۴۲. کتاب الزکاة
 ۴۳. مسائل کابل (پاسخ به سؤالات)
 ۴۴. هداية المومنین
 ۴۵. خاطرات زندگانی
 ۴۶. در پناه دین
 ۴۷. تساوی در اسلام
 ۴۸. تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان
 ۴۹. توحید اسلامی و دشمنان آن

آن مرحوم در ۸۴ سالگی در روز دوشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۸ ش (۳ ذیحجه الحرام ۱۴۴۰ ق) چشم از جهان فرو بست و فقدانش غمی بزرگ بردل مردم افغانستان نهاد. پیکرش در روز سه شنبه ۱۵ مرداد پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله سید محسن حجت، در مدرسه خاتم الانبیاء که خود بنا نهاده بود، به خاک سپرده شد.

آیت الله العظمی سیستانی در غم فقدانش فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم
 انا لله وانا اليه راجعون

خبر ارتحال عالم جلیل القدر جناب آیت الله آقای حاج شیخ محمد آصف محسنی (طاب ثراه) موجب تأثر و تأسف فراوان گردید. فقدان آن بزرگوار که از علمای شاخص و اندیشمندان

اینجانب این مصیبت وارده را به مردم عزیز افغانستان به ویژه به علما و فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه و به بستگان محترم و همه علاقه‌مندان آن فقید سعید تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای ایشان علو درجات و برای بازماندگان شان صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم.

ولاحول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم

علی حسینی سیستانی

۴ ذی الحجه ۱۴۴۰

و مقام معظم رهبری هم در پیام تسلیت خویش فرمود:
 درگذشت عالم مجاهد مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ محمد آصف محسنی رحمة الله علیه را به عموم ارادتمندان ایشان در افغانستان و ایران و به خاندان مکرم ایشان تسلیت عرض میکنم. دهها سال مجاهدت فی سبیل الله در میدانهای سیاسی و فرهنگی و علمی و اجتماعی در کشور اسلامی افغانستان و همراه با مردم شجاع و غیور آن سامان، کارنامه‌ی افتخارآمیز این روحانی بلند پایه را نشان میدهد و برکات مستمر و ماندگار آن، میراث ارزشمند معنوی آن بزرگوار است.

رحمت و رضوان الهی را برای آن مرحوم مسألت میکنم.

سید علی خامنه‌ای

۱۶ مرداد ۱۳۹۸

و آیت الله العظمی فیاض همچین نگاشت:

بسم الله الرحمن الرحيم
 الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
 صدق الله العلی العظیم

با کمال حزن و تأسف خبر ارتحال برادر عزیز و بزرگوار حضرت آیت الله شیخ محمد آصف محسنی (قدس سره) را دریافت کردیم.

اینجانب ضایعه و فقدان آن عالم وارسته و بزرگ که عمر پربرکت خویش را در تألیف و نشر کتبهای متنوعه در موضوعات مختلفه خدمت به دین و اعلاهی کلمه اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و خدمت به مؤمنین و مخصوصاً ملت محترم افغانستان نموده.

به همه مسلمانان و مخصوصاً مردم شریف افغانستان و به

نیز در دروس فلسفه و تفسیر علامه طباطبایی و دروس هیأت مرحوم آیت الله شیخ محمدعلی زاهری اردبیلی شرکت کرد و تقریرات دروس آنان را نگاشت و علاوه بر آن به تبلیغ و تألیف و تدریس و مدیریت مدرسه حقانی هم اشتغال داشت. این مدرسه با مدیریت ایشان با همکاری حضرات آیات: شهید بهشتی و شهید قدوسی یکی از مدارس نوین و موفق و پیشرو در تعلیم طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم بود که اکنون نیز چشم و چراغ مدارس علمیه قم است. وی یکی از شاگردان ویژه آیت الله شریعتمداری بود که نزدیک ۲۲ سال در دروس فقه ایشان شرکت کرد و تقریرات دروس معظم له را نگاشت و مورد تصحیح ایشان قرار گرفت و از او به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس دانشگاه الزهراء به عضویت هیأت علمی و مدیریت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و دانشکده الهیات آن درآمد و سال ها به تدریس علوم اسلامی: فقه و اصول و تفسیر و فلسفه و کلام و عرفان در آنجا و در دانشگاه تهران پرداخت و ده ها نفر از دانشجویان با راهنمایی ایشان پایان نامه های خویش را نگاشتند. او در این زمان یکی از اعضای اصلی هیأت تحریریه مجله مکتب اسلام هم بود و در این سال های طولانی (حدود ۴۰ سال) صدها مقاله نگاشت که شایسته جمع آوری و تنظیم مجدد است.

آثارش عبارتند از:

الف) کتاب های چاپی

۱. کتاب الطهارة (۲ ج)، تقریرات درس طهارت آیت الله شریعتمداری
۲. کتاب البیع (۷ ج)، تقریرات درس مکاسب آیت الله شریعتمداری
۳. شرح کتاب «بداية الحكمة» (۲ ج)
۴. شرح کتاب «نهاية الحكمة» (۳ ج)
۵. مجموعه مقالات (در مجلات مکتب اسلام و الزهراء)
۶. انفال یا ثروت های عمومی مسلمین
۷. ولایة الحاكم الشرعی و ابعادها
۸. فلسفه اخلاق و مسائل اخلاقی از دیدگاه اسلام
۹. ولایت فقیه و حدود و ابعاد آن
۱۰. روانشناسی اسلامی
۱۱. دیدگاه ملاصدرا درباره روح و نفس انسانی
۱۲. خاندان وحی و آیه تطهیر
۱۳. روح چیست؟

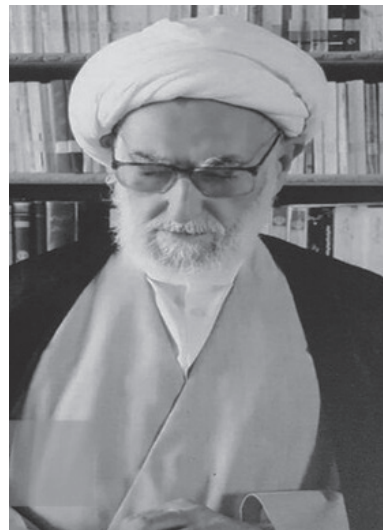
حوزه های علمیه و شاگردان و محبتان و بستگان و محبان و بستگان محترم و همه علاقه مندان و بالأخص آقا زاده های ایشان و خانواده محترم آن فقید سعید تسلیم عرض می کنم. و از درگاه خداوند رؤوف و مهربان برای ایشان علو درجات و حشر با ائمه طاهرين (علیهم السلام) را مسألت نموده و به بازماندگان و سایر دوستان ایشان صبر جمیل و اجر جزیل را مسألت داریم.
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

محمد اسحاق الفیاض

۳/ ذی الحجة / ۱۴۴۰ هـ

آیت الله حقانی زنجانی

حضرت مستطاب آیت الله آقای حاج شیخ حسین حقانی زنجانی یکی از فضلالی نامی حوزه علمیه قم بود. آن مرحوم در روز چهارشنبه اول اسفند ۱۳۱۳ ش (۱۶ ذی قعدة الحرام ۱۳۵۳ ق) در زنجان در خانه مرحوم حاج علی حقانی که بعدها مدرسه منتظریه یا حقانی را در قم بنیاد نهاد و سرمنشأ بسیاری از تحولات علمی و اجتماعی در حوزه علمیه قم شد، زاده شد و پس از پشت سر نهادن دوران دبستان و دبیرستان در سال ۱۳۳۰ ش به قم مهاجرت کرد و به تحصیل علوم دینی روی آورد. پس از تحصیل ادبیات، سطوح را نزد حضرات آیات: سبحانی و مکارم شیرازی و نوری همدانی و سطوح عالییه را نزد حضرات آیات: مجاهدی تبریزی و سلطانی طباطبایی آموخت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام: آقای بروجردی (۳ سال)، امام خمینی، آقای شریعتمداری، محقق داماد و میرزاهاشم آملی و



۱۴. معنای روح
- ب) کتاب‌های غیرچاپی
۱. تقریرات درس اصول امام خمینی (اصول عملیه)
۲. تقریرات درس اصول میرزاهاشم آملی (دوره کامل)
۳. تقریرات درس فقه امام خمینی (کتاب بیع)
۴. تقریرات درس فقه آیت‌الله شریعتمداری (صلاة، صوم، زکات، خمس و حج)
- آن مرحوم در ۸۵ سالگی در روز سه‌شنبه ۲۵ تیرماه ۱۳۹۸ ش (۱۳ ذی‌القعده ۱۴۴۰ ق) درگذشت و پیکرش پس از تشییع و نماز حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی برآن در صبح پنج‌شنبه در مدرسه حقانی به خاک سپرده شد.
۱. مع المعصومین (۴ ج)
۲. موسوعة فی الدعاء (۴ ج)
۳. الامام الحسین (ع)، القضية و المأساة
۴. الهموم و الاهتمامات
۵. تقریرات درس فقه آیت‌الله خویی
۶. تقریرات درس اصول آیت‌الله خویی
۷. الجامع الاصغر لأحادیث سیدالبشر
۸. مع الکافی فی اصوله و فروعیه و الروضه
۹. المستطرفات من اسدالغابة
۱۰. المستطرفات من تاریخ بغداد
۱۱. شرح کتب: رسائل، مکاسب، کفایه
۱۲. تعلیقه بر: معجم رجال الحدیث، مواهب الرحمن، محاسن (برقی)

آیت‌الله خراسان

آن مرحوم در ۸۶ سالگی در روز سه‌شنبه اول مرداد ۱۳۹۸ ش (۱۸ ذی‌القعده الحرام ۱۴۴۰ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش در روز چهارشنبه پس از تشییع و نماز حضرت آیت‌الله سیدمحمدسعید حکیم در یکی از حجرات صحن حرم امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.

حضرت آیت‌الله آقای حاج سیدمحمدرضا خراسان یکی از علمای نجف اشرف بود. آن مرحوم در روز دوشنبه ۱۴ جمادی‌الاولی ۱۳۵۲ ق (۱۳ شهریور ۱۳۱۲ ش) در نجف اشرف در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش آیت‌الله سیدحسن موسوی خراسان (۱۳۲۲-۱۴۰۵) از شاگردان آیات عظام: سیدابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و سیدابوتراب خوانساری بوده است. فقید سعید ادبیات رازدوالد گرامی اش و سطوح رازد حضرات آیات: پدرش، شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ محمدحسین دهخوارقانی و شیخ محمدتقی ایروانی آموخت و پس از آن در دروس آیات عظام: آقای حکیم، آقای خویی و میرزاحسن یزدی حاضر شد و بهره‌های فراوان برد. سپس به تألیف و تحقیق و تدریس روی آورد و مقالات بسیار در مجلات نجف نگاشت و در مناسبت‌های مختلف نیز شعری سرود. وی اجازات فراوانی از حضرات آیات: سیدشرف‌الدین، سیده‌الدین شهرستانی، شیخ آقابزرگ تهرانی، میرزاحسن بجنوردی، آقای خویی و سیدعبدالاعلی سبزواری داشت و به گروهی از فضلا نیز اجازه روایت بخشوده بود. او یکی از اعضای گروه اداره‌کننده انتفاضه نجف در سال ۱۹۹۱ م بود. درب خانه‌اش از بام تا شام باز بود و در آن به امور شرعی و عرفی مردم رسیدگی می‌شد و مہرشر در تمام دوایر دولتی نافذ و خانه‌اش مانند محاکم قضایی و دفاتر ازدواج و طلاق شرعی بود. از این رو موفق به چاپ آثار متعدد خویش نشد. برخی از آثار غیر چاپی اش عبارتند از:

آیت‌الله مؤمن شیرازی

حضرت مستطاب آیت‌الله آقای حاج شیخ حسین مؤمن شیرازی یکی از علمای حوزه علمیه قم بود. فقید سعید در سال ۱۳۰۵ ش (۱۳۴۵ ق) در شیراز زاده شد و در نوجوانی به قم آمد و سطوح عالی‌ه را از محضر حضرات آیات: مجاهدی تبریزی و سلطانی طباطبایی و دروس فلسفه و تفسیر را از علامه طباطبایی و خارج فقه و اصول را هم از آیات عظام: آقای بروجردی، امام خمینی و آقای داماد آموخت و تقریرات دروس آنان را نگاشت و هم‌زمان به تحقیق و تألیف و تبلیغ دین و تدریس سطوح عالی پرداخت. در دوران انقلاب اسلامی، نامش در ذیل اعلامیه‌های مدرسین حوزه علمیه قم دیده می‌شد.

آثارش عبارتند از:

۱. تحقیق بحار الانوار (از ج ۱۳ تا ج ۲۷ چاپ جدید، با یاری آقای حاج شیخ حسین کرمانی)
۲. شرح خطبه حضرت زهرا (با اسناد و مدارک خاصه و عامه)
۳. رساله در عقاید صوفیه (ناتمام)

به زبان های عربی، فارسی و انگلیسی مسلط و دارای استعداد فراوان همراه خوش فکری و روشنفکری مستقیم دینی بود. وی در طول عمر شریفش نه غیبت کرد و نه به غیبت گوش داد و با اینکه عضو شورای عالی قضایی بود، با قناعت زندگی کرد و خانه اش در یکی از محلات حاشیه شهر قم بود و از تزئینات مرسوم در خانه ها از آن خبری نبود. عفت کلام همراه ادب و متانت و احترام از سخنانش نمایان بود و همواره در بسمت قضایی خویش سعی در گره گشایی از کار مردم را داشت. از آثارش تقریرات فراوان از دروس اساتیدش است که همچنان مخطوط مانده است.

آن مرحوم در ۸۴ سالگی در آخرین چهارشنبه ماه مبارک رمضان (۲۴ رمضان المبارک ۱۴۴۰ق / ۸ خرداد ۱۳۹۸ش) چشم از جهان فرو بست و پیکرش پس از تشییع شایسته و نماز حضرت آیت الله سبحانی بر آن در قبرستان علی بن جعفر (ع) قم در کنار قطعه شهدای حرم به خاک سپرده شد.

آیت الله دستمالچی حائری

مرحوم آیت الله حاج سیدعلیرضا دستمالچی حائری یکی از فضلاء نامی حوزه علمیه قم بود. آن مرحوم در آذرماه ۱۳۳۰ش (ربیع الاول ۱۳۷۱ق) در کربلازاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام آقای حاج سیدعلی اکبر یزدی بود که سال ها در کربلا رحل اقامت افکنده و در این سال های اخیر همسایه ما در کوچه یزدی های بازار قم بود. آن مرحوم در کربلا تحصیلات علوم دینی خویش را آغاز کرد و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت کرد و دروس سطوح خویش را نزد آیات: سید محمود هاشمی شاهرودی و سید محمد باقر حکیم و سید کاظم حائری فرا گرفت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام: خویی و به ویژه شهید سید محمد باقر صدر حاضر شد و تقریرات دروس معظم له را نگاشت و مورد توجه فراوان ایشان قرار گرفت. در سال ۱۳۵۱ش از عراق اخراج شد و به قم آمد و در دروس خارج آیت الله وحید خراسانی شرکت کرد و علاوه بر آن به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی سرپرستی و مدیریت طلاب عراقی حوزه علمیه قم را بر عهده گرفت و منشأ خدمات فراوان برای آنان شد. طلاب عراقی که در این زمان از عراق رانده شده و بدون اوراق هویت و شهریه و مسکن بودند، توسط

۴. رساله در عفت و غیرت

۵. تقریرات دروس آیت الله بروجردی (فقه (لباس مشکوک) و اصول)

۶. تقریرات اصول امام خمینی

۷. تقریرات دروس آیت الله داماد (فقه و اصول)

آن مرحوم در ۹۳ سالگی در روز پنجشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۸ش (۲۲ ذی قعدة ۱۴۴۰ق) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در روز جمعه ۴ مرداد و نماز حضرت آیت الله سبحانی بر آن در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله حسینی مرندی

مرحوم آیت الله آقای حاج سیدرضا حسینی مرندی یکی از فضلاء نامی حوزه علمیه قم بود. معظم له در سال ۱۳۱۴ش (۱۳۵۴ق) در مرند در خانه مرحوم آقای سیدجلال حسینی مرندی که از اوتاد بازار مرند و معتمد مردم بود زاده شد. عمویش نیز آیت الله حاج سیدخلیل آقا حسینی بوده است. وی تحصیل علوم دینی را در مدرسه طالبیه تبریز آغاز کرد و ادبیات را نزد استادانی چون: میرزا عمران علیزاده و میرزا رحیم قدسی و سطوح را نزد آیات: میرزا علی اصغر باغمیشه ای و حاج میرزا احمد مدرس باغمیشه ای فرا گرفت و خود به تدریس ادبیات هم پرداخت که استاد سید محمد ثقفی تبریزی از جمله شاگردان وی است. سپس به قم آمد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: سید جواد خطیبی، شیخ باقر مرندی، شیخ ابوالفضل علمایی سرابی، شیخ اسماعیل صائنی زنجانی، مجاهدی تبریزی و سلطانی طباطبایی آموخت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام: آقای بروجردی، آقای شریعتمداری، امام خمینی، محقق داماد، آقا مرتضی حائری و علامه طباطبایی حاضر شد و بهره های فراوان برد و این درس ها را با آیت الله شیخ عباس کمالی امام جمعه سابق شهرستان سراب مباحثه می کرد. او مدتی اندک نیز در دروس فلسفه استاد شهید مرتضی مطهری در سال های ۱۳۵۶ شرکت کرد. او در این سال ها زبان انگلیسی و هیأت را هم نزد مرحوم حاج شیخ محمد محقق لاهیجی و دروس عقاید را نزد آیت الله مکارم شیرازی آموخت و دوره عمومی دروس دارالتبلیغ اسلامی را پشت سر نهاد و علاوه بر تحصیل به تدریس سطوح نیز پرداخت و به عنوان یکی از فضلاء آذری مطرح بود. وی

ایشان به سروسامان رسیدند و نامشان در شورای عالی حوزه منظم و مدون شد. او با تشکیل مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق به عضویت کادر مرکزی آن درآمد و با تأسیس مؤسسه دائره المعارف فقه اهل بیت نیز به عضویت شورای مؤسسين آن برگزیده شد. وی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و اخیراً پس از درگذشت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی به ریاست مؤسسه دائره المعارف فقه اهل بیت برگزیده شد و در تمام این سالها اشراف مستقیم و نظارت علمی بر منشورات و آثار این مؤسسه فقهی داشت و مقالات بسیار فقهی در مجله فقه اهل بیت از او به چاپ رسید. از آثار وی تقریرات درس اصول آیت الله صدر و مقالات فقهی در مجله فقه اهل بیت است.

وی بر اثر سکتة مغزی در ۶۸ سالگی در روز پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸ ش (۱۵ ذی قعدة الحرام ۱۴۴۰ق) بدرود حیات گفت و پیکرش صبح جمعه ۲۸ تیر پس از تشییع شایسته و نماز حضرت آیت الله سبحانی در مسجد مطهری حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

آیت الله حججی

مرحوم آیت الله آقای حاج سید سجاد حججی عالم نامی شهر میانه بود که خدمات علمی و اجتماعی اش در طول ۶۰ سال در آن شهر از یادها نخواهد رفت. فقید سعید در سال ۱۳۴۷ق (۱۳۰۷ش) در میانه در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسین حججی از علما و مدرسین و ائمه جماعات شهر بوده است. وی پس از تحصیلات نخستین در ۱۷ سالگی به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات را نزد پدرش آموخت و پس از آن در سال ۱۳۶۶ق رهسپار قم شد و سطوح را نزد حضرات آیات: شهید صدوقی، میرزا مسلم ملکوتی، شیخ نصرت الله بناروانی میانجی و میرزا علی مشکینی و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات: مرعشی نجفی، میرزا محمد مجاهدی و سید محمد باقر سلطانی طباطبایی آموخت. پس از آن در درس خارج آیات عظام: آقای بروجردی، آقای حاج شیخ عباسعلی شاهرودی و امام خمینی حاضر شد و بهره های فراوان برد. وی مورد توجه فراوان امام خمینی بود و نخستین کسی است که در ۱۷ فروردین سال ۱۳۴۰ش از امام اجازه امور حسبه

دریافت کرد. بعدها نیز مرحوم امام چندین نامه ملاطفت آمیز به وی نگاشت. وی در سال ۱۳۳۸ش به امر آیت الله بروجردی به زادگاهش بازگشت و به خدمات علمی و دینی و اجتماعی بسیار همت گماشت که از آن جمله است: تجدید بنای مسجد حاج سید حسین و مسجد موسی بن جعفر (کربلایی تقی) و تأسیس کتابخانه آن، تأسیس مکتب قرآن و تأسیس کتابخانه مجهز برای مدرسه علمیه جعفریه، تأسیس کارخانه گچ و برق رسانی و آب رسانی به روستاها.

آن مرحوم در جریان نهضت روحانیت علیه رژیم پهلوی به پیروی از استادش امام خمینی مردانه وارد مبارزه شد و بارها گرفتار زندان و شکنجه و تبعید (به تبریز) و پنج سال هم ممنوع المنبر شد و در ۱۳۵۷ به دیدار امام در پاریس رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام به امامت جمعه میانه و از سوی مردم به نمایندگی مجلس شورای اسلامی برگزیده شد و خدمات فراوانی به مردم شهر و روستاها ارائه کرد که عبارتند از: تأسیس کمیته و سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، احداث کارخانه فولاد، احداث پل فلزی روستای ممان و پل بتونی روستای آراز و قویچاق و تأسیس مصلاى نماز جمعه.

صدیق معظم استاد عبدالرحیم اباذری می نویسد:

دوران ستمشاهی بیشترین تخریبها و تحقیرها را از سوی بعضی روحانیون متحمل شد که اصرار داشتند دست از حمایت امام خمینی بردارند و به جمع آنها بپیوندند. این در حالی بود که تعقیب، دستگیری، تبعید، زندان و شکنجه های ابادی رژیم و ساواک هم ادامه داشت. نیمه شبی به منزلش ریختند و خانه اش را غارت کردند و خانواده اش را مورد ترس و وحشت قرار دادند که منتهی به وضع حمل زود هنگام همسرش و تولد فرزندش شد و نام او را محسن گذاشت. با این حال سرزنش های دوستان، در مقابل فشارهای ستمشاهی به مراتب شکننده تر بود. او هرگز از قبول مسئولیت شانه خالی نکرد. در دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ده سال امامت جمعه شبانه روز در تلاش و تکاپوی خدمت به مردم بود، زندگی ساده و محقرانه ای داشت. در هشت سال دفاع مقدس، منزل محقرش در محله معروف «قبة ننه» پناهگاه محرومان و مستضعفان بود. ایام بمباران شهر و مدرسه زینبیه، هرگز منزل و شهر را ترک نکرد. هر چه تلاش کردند برایش پناهگاهی بسازند تا در هنگام بمباران در آن پناه گیرد قبول نکرد. مسئولانی که از تهران آمدند در همان منزل

آمد و پس از دوران کودکی به نجف اشرف آمد و ادبیات عرب را فراگرفت. سپس در سال ۱۳۴۶ ش به شیراز رفت و در مدت ۶ سال سطوح عالی به نزد آیت الله شیخ بهاء الدین محلاتی فراگرفت. در سال ۱۳۵۲ ش به قم مهاجرت کرد و کفایه را نزد آیت الله فاضل لنکرانی و دروس منظومه و اسفار را از آیت الله سیدرضا صدر آموخت و پس از آن در دروس خارج آیات عظام: گلپایگانی، مرعشی نجفی، حاج آقا مرتضی حائری، میرزاهاشم آملی و میرزا جواد تبریزی حاضر شد و بهره‌های فراوان بود. سپس با وفات پدر بزرگوارش در ۱۳۶۴ ش به فسا بازگشت و به جای پدر به خدمات علمی و دینی مانند: تأسیس مدرسه علمیه جوادالائمه و اقامه جماعت در مسجد جامع و رسیدگی به حال نیازمندان و تبلیغ دین و تدریس علوم دینی پرداخت. بسیار سخاوتمند بود و زمانی که از نیاز مالی خانواده‌ای خبردار می‌شد، سریعاً اقدام می‌کرد. مجلسش مشحون از ذکرو خاطره علمای نجف و استادانش و مملو از مباحث علمی و فقهی بود و با حافظه قوی خویش عبارات فقها را به خاطر می‌سپرد و از هر فرصت و زمان برای طرح مسائل علمی بهره می‌برد. از وی نوشته‌های فراوان (مخطوط) بر جای مانده است.

وی در ۷۳ سالگی بر اثر نارسایی کلیوی در روز یکشنبه اول محرم الحرام ۱۴۴۱ ق (۱۰ شهریور ۱۳۹۸ ش) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه در روز سه‌شنبه ۳ محرم و نماز آیت الله سیدعلی میلانی در جوار مرقد پدرش در امامزاده حسن فسا به خاک سپرده شد.

آیت الله تقوی

مرحوم آیت الله آقای حاج سید میراحمد تقوی مقدم عالم نامی استان کهگیلویه و مقیم دهدشت بود. فقید سعید در روز پنج‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۰۲ ش (۶ شعبان المعظم ۱۳۴۲ ق) در بهبهان در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام و المسلمین میرعلی صفدر تقوی از علمای دهدشت بود. او در کودکی همراه پدر بزرگوارش از بهبهان به دهدشت منتقل شد و مقدمات علوم و قرآن را نزد پدرش فراگرفت و پس از آن به بهبهان رفت و ادبیات را از مرحوم آیت الله شیخ عبدالهادی مجتهدی فراگرفت و در ۱۳۲۸ ش رهسپار نجف اشرف شد. سطوح را از آقایان: مدرس افغانی، شیخ

به حضور می‌پذیرفت و تا آخر عمر در آن منزل مخروبه زندگی کرد و در آنجا هم از دنیا رفت. این منزل در دهه شصت، هم فرمانداری، هم شهرداری و هم ستاد پشتیبانی جبهه و جنگ و هم محل تشکیل جلسات مسئولین شهر بود. مردم شهر در مراسم تشییع پیکر او می‌گفتند: خدا تو را رحمت کند که همیشه به فکر خدمت به مردم مستمند و قشر محروم بودی و هرگز برای خودت، فرزندان و بستگان نه کیسه دوختی و نه دلار و تومان اندوختی.

از آن مرحوم کتاب خاطرات به اهتمام صدیق گرامی استاد عبدالرحیم اباذری به چاپ رسیده است.

سرانجام آن مرحوم در ۹۱ سالگی در صبح روز پنج‌شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۹۸ (۲۰ ذیحجه الحرام ۱۴۴۰ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش صبح روز جمعه اول شهریور پس از تشییع باشکوه و با شرکت ده‌ها هزار نفر و نماز حجت الاسلام و المسلمین آقای آل هاشم (امام جمعه تبریز) در مقبره خانوادگی در کنار پدر بزرگوارش در جوار مسجد حاج میرحسین آقا مدفون شد.

آیت الله نظام

مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ محمد باقر نظام عالم بزرگ شهر فسا بود. آن مرحوم در سال ۱۳۲۵ ش (۱۳۶۵ ق) در سامرا در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدر بزرگوارش آیت الله حاج میرزا محمود نظام شیرازی (۱۳۲۳-۱۴۰۶ ق) داماد و شاگرد آیت الله میرزا محمود شیرازی عسکری و از شاگردان آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی بود و نیای عالیقدرش مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد اسماعیل نظام العلماء فسائی (۱۳۴۵ ق) از شاگردان آیت الله میرزا ابراهیم محلاتی شیرازی و از نوادگان فقیه نامی علامه شیخ حسین آل عصفور بحرانی (۱۲۱۶۹ م) صاحب عیون الحقائق الناظره و برادرزاده علامه شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق (۱۱۸۱ ق) و جد مادری اش آیت الله میرزا محمود عسکری شیرازی (م ۱۳۷۸ ق) از شاگردان آیات عظام: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی، میرزا حسین خلیلی و شیخ محمد طه نجف و امام جماعت حرم سامرا بوده است.

فقید سعید به هنگام تحصیل و اقامت پدرش در سامرا به دنیا

حجت الاسلام رحیمی

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عباس رحیمی نجف آبادی امام جمعه خمینی شهر اصفهان بود. فقید سعید در روز یکشنبه اول جمادی الاولی ۱۳۶۶ ق (۲ فروردین ۱۳۲۶ ش) در حاجی آباد از توابع نجف آباد در بیت علم و فضیلت زاده شد. پدرش مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ غلامعلی رحیمی هم از فضلا و ائمه جماعات نجف آباد بود. وی تحصیلات خویش را نزد حضرات آیات: شیخ غلامحسین منصور و شیخ عباس ایزدی آغاز کرد و پس از فراگیری ادبیات و سطوح به نجف اشرف مهاجرت کرد و سطوح عالی به رانزد حضرات آیات: راستی کاشانی، میرزا کاظم تبریزی، شهید مدنی، شیخ عباس قوچانی و میرزا جواد تبریزی آموخت و پس از آن به مدت ۵ سال در درس خارج آیات عظام: آقای خوبی، آقای شاهرودی و امام خمینی حاضر شد و در ۱۳۵۲ ش به قم آمد و از درس آیات عظام: گلپایگانی، میرزا هاشم آملی، منتظری، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بهره برد و هم‌زمان با آن به تبلیغ دین و تألیف پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های تبلیغی خویش را گسترش داد و به استان‌های مختلف سفر کرد. در سال ۱۳۵۹ ش به امامت جمعه برازجان (در استان بوشهر) و در دومین دوره مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مردم برازجان برگزیده شد و در آن شهر مصلاهی نماز جمعه را تأسیس و مسجد شهید آشوری را تجدید بنا کرد. در ۱۳۶۷ به امامت جمعه استهبان فارس برگزیده شد و به بازسازی مسجد جامع و بازسازی مدرسه علمیه امام صادق (ع) توفیق یافت.

در مرداد ۱۳۷۵ ش به امامت جمعه مبارکه اصفهان برگزیده شد و به خدمات اجتماعی بسیاری مانند: احداث مصلا و مجتمع فرهنگی الزهراء (ویژه خواهران) و تقویت کتابخانه‌ها و پایگاه‌های بسیج و تأسیس اداره ارشاد اسلامی و تشکیل کلاس‌های قرآن و نهج البلاغه توفیق یافت. وی در مهر ۱۳۸۰ ش به عنوان امام جمعه نمونه کشور معرفی شد و پس از آن در ۱۳۸۵ ش به عنوان امام جمعه خمینی شهر (سده) اصفهان منصوب شد. برادرش حجت الاسلام غلامرضا رحیمی نماینده مردم ماهشهر در مجلس شورای اسلامی و خواهرش معصومه رحیمی و خواهرزادگانش از جمله شهدای انقلاب اسلامی در ایران و عراق بودند.

علی یزدی، سید جلیل یزدی و شهید مدنی و سطوح عالی را از حضرات آیات: میرزا کاظم تبریزی، سید عباس مهنری، شیخ علی اصغر اراکی و سید علی سیستانی آموخت. چندی نیز در درس خارج آیات عظام: آقای حکیم و آقای خوبی حاضر شد و در ۱۳۳۸ ش به دهم‌دهشت بازگشت و به ترویج دین و اقامه شعائر و خدمت به مردم و مذهب پرداخت و با تمام وجود به مبارزه با تعدی خوانین و مالکین و جهل و بی‌سوادی و خرافات و نیز دادرسی مردم و رفع نیازهای مستمندان و تأسیس مدرسه علمیه ولی عصر (عج) پرداخت. او به روستاها و ایلات و عشایر و میان چادرها می‌رفت و با مردم می‌زیست و به آنان آداب و مبانی دین را می‌آموخت. با شروع نهضت اسلامی مردم ایران، به حمایت از مرام و پیام و ترویج نام امام پرداخت و با موقعیت و نفوذ اجتماعی منحصر به فردی که داشت توانست مقامات دولتی از خشونت و سرکوب انقلابیون بازدارد و زمینه حضور گسترده مردم را در فعالیت‌های انقلابی فراهم کند و بدین ترتیب انقلاب را در منطقه کهگیلویه با درایت و بدون خسارت تا تحقق پیروزی هدایت کند. پس از انقلاب نیز هم خود را متوجه تأسیس و استقرار نهادهای انقلابی و افزون بر این، جلب توجه اولیای امور به نیازهای اساسی و گسترده این منطقه محروم کرد. همچنین به تدریس و تربیت طلاب و رفع منازعات محلی و رسیدگی به نیازمندان و تأسیس مساجد و حسینیه‌های فراوان و تجدید بنای باشکوه آستانه امامزاده سید محمود پرداخت. وی از مصرف وجوهات پرهیز و زندگی‌اش را از طریق کشاورزی اداره می‌کرد. تواضع و زهد و ساده‌زیستی و اخلاق خوش و تقوا و پارسایی از زندگی‌اش نمایان بود.

آثارش عبارتند از:

۱. خاطرات (ج ۱: از کودکی تا ۱۳۵۷ و ج ۲: از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ ش)
۲. در آینه وجدان
۳. نامه‌ها و اعلامیه‌ها
۴. واقعه‌نگاری تجدید بنای امامزاده سید محمود

آن مرحوم در ۹۵ سالگی در روز پنجشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۸ (۱۳ ذیحجه الحرام ۱۴۴۰ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه در روز جمعه و نماز آیت الله سید محمدعلی موسوی جزایری در مدرسه علمیه ولی عصر دهم‌دهشت که خود بنا نهاده بود، به خاک سپرده شد.

فرزندان برومند وی حجج اسلام آقایان: سید مرتضی تقوی و سید مصطفی تقوی هم از فضلاء حوزه علمیه قم هستند.

از جلسات استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی در زمینه فلسفه و عرفان اسلامی بهره برد و پس از وفات استاد، در مشهد سکونت گزید و به تألیف و تحقیق و ترجمه قرآن به زبان فرانسه پرداخت. از ویژگی‌های این ترجمه آن است که ترجمه‌ای روان همراه تفسیر مختصر به ضمیمه لغت‌نامه الفاظ قرآن است. مسلمانی وی باعث محروم شدنش از تدریس در دانشگاه سوربن شد، اما عشق وی به امام رضا(ع) باعث سکونت وی در مشهد مقدس شد و در آنجا کتاب‌های متعددی را به رشته تحریر درآورد. وی هر ساله برای تبلیغ مذهب تشیع به کشورهای اروپایی و آفریقایی سفر می‌کرد که در آخرین سفر تبلیغی‌اش در ساحل عاج بر اثر تصادف به رحمت خدا پیوست.

آثارش که به زبان فرانسه هستند، عبارتند از:

۱. تصوف و عرفان اسلامی
 ۲. امام خمینی، عارف ناشناخته قرن بیستم
 ۳. وصیت‌نامه امام خمینی (با مقدمه و حواشی و ترجمه)
 ۴. الهیات در آثار فلسفی و عرفانی روح‌الله خمینی
 ۵. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر (امام خمینی. ترجمه به فرانسه)
 ۶. آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از آثار و بیانات امام خمینی)
 ۷. ترجمه و تفسیر قرآن مجید
- پسرعموی گرامی جناب آقای دکتر هادی انصاری می‌نویسد:

پرفسور بونوه‌مان رهیافته مستبصری که نام خود را به یحیی علوی تغییر داده بود، در برنامه‌های برون‌مرزی صداوسیما به عنوان مبلغ دینی، مباحث دینی را ارائه می‌کرد. او در این برنامه‌ها، ترجمه دعاها و مباحث تفسیری و... را به زبان فرانسه می‌گفت. وی سالها به کشورهای گوناگون اروپایی و آفریقایی و سرزمین‌های تشنه حق سفر کرده و بدون سرو صدا، به تبلیغ و به گفته خویش: به زدودن نقاب جهل و سیراب کردن تشنگان از اقیانوس اسلام و شیعه می‌پرداخت.

سرانجام آن مرحوم در ۶۲ سالگی بر اثر سانحه تصادف در کشور ساحل عاج که برای تبلیغ ایام محرم الحرام ۱۴۴۱ ق به آنجا سفر کرده بود، در آخرین روز ماه ذی‌الحجه ۱۴۴۰ ق بدرود حیات گفت و پیکرش در همان کشور به خاک سپرده شد.

برخی از آثارش عبارتند از:

۱. در محضر امیرالمؤمنین (ع)
۲. درس‌های خوشبختی برای زوج‌های جوان
۳. زندگی موفق
۴. گفتگو با جوانان
۵. بازار سالم
۶. دین و سیاحت و ولایت فقیه

آن مرحوم در ۷۲ سالگی در روز دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۸ ش (۱۷ ذیحجه الحرام ۱۴۴۰ ق) بدرود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع باشکوه و نماز آیت‌الله طباطبایی نژاد امام‌جمعه اصفهان در امامزاده سیدمحمد (خمینی شهر) به خاک سپرده شد و در سوگش یک روز در خمینی شهر عزای عمومی اعلام شد.

استاد یحیی بونرعلوی

مرحوم استاد یحیی بونرعلوی رهیافته‌ای بود که نقاب از چهره اسلام در رسانه‌های غربی برکشید و با مطالعات خویش از مذهب کاتولیک به مذهب تشیع درآمد و خدمات فراوان به ساحت مقدس اسلام کرد.

فقیه سعید در سال ۱۹۵۷ م (۱۳۷۷ ق/۱۳۳۶ ش) در شهر فرایبگ آلمان در خانواده‌ای مسیحی و کاتولیک زاده شد. سپس به استراسبورگ و آن‌گاه به فرانسه هجرت کرد و به آشنایی و مطالعات ادیان شرقی پرداخت و برای این کار به کشورهای اسپانیا، ایتالیا، بلژیک، هلند و مراکش سفر کرد و با آثار فیلسوف مسلمان فرانسوی رنه‌گنون آشنا شد و تحت تأثیر آثار وی قرار گرفت و در سال ۱۹۷۹ م (۱۳۵۸ ش/۱۳۹۹ ق) به دین اسلام گروید. پس از آن در رشته زبان و ادبیات عرب و اسلام‌شناسی به تحصیل پرداخت و با آثار هانری گُربن که عرفان شیعی را به غرب شناسانده بود، آشنا شد و نور تشیع در قلبش تأیید گرفت و با راهنمایی‌های احمد حمپاته، عارف آفریقایی و از رؤسای سلسله تیجانیه مذهب شیعه را اختیار کرد و نامش را به یحیی علوی تغییر داد. وی در سال ۱۹۸۷ م مدرک پرفسور آگرژ را اخذ کرد و در سال ۱۹۹۵ م از رساله دکتری خود با عنوان الهیات در آثار فلسفی و عرفانی روح‌الله خمینی در دانشگاه سوربن دفاع کرد که در سال ۱۹۹۹ م به عنوان پژوهش سال برگزیده شد. وی برای تدوین رساله خود از سال ۱۹۹۱ م به ایران آمد و مدت هفت سال